شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

شب چله در چاه کرونا

روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۲۳ ۰۹ ۹۹
اشنبه
۳۲ صفحه: ۸ صفحه + ۴ صفحه ورزشی
+۴ صفحه خراسانیات + ۱۶ صفحه شهرآرا محله
شماره ۳۲۷۳ | ۱۰۰۰ تومان
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای
Photoshahr.ir

حدیث روز

یکدیگر را ببخشید تا کینه‌هایتان از بین برود.

حضرت محمد(ص)

رطوبت هوا	۶۵٪
۱° ↑ -۷° ↓	
صبح -۵°	ظهر -۱°
عصر -۳°	شب -۴°

- اذان ظهر ۱۱:۲۶
- غروب آفتاب ۱۶:۱۶
- اذان مغرب ۱۶:۳۷
- نیمه شب شرعی ۲۲:۴۰
- اذان صبح فردا ۵:۰۴
- طلوع آفتاب فردا ۶:۳۵

یادداشت‌های یک شنبه

لشکر غم در کمین است اما...

عباسعلی سپاهی‌یونسی
شاعر و روزنامه‌نگار

ای دل از پست‌وبلند روزگار اندیشه کن / در برومندی ز قحط برگ‌وبار اندیشه کن

این شروع یکی از غزل‌های صائب تبریزی است و من همیشه خدا بیش از هر بیت این شعر، ذهنم درگیر این بیت غزل بوده است که: از نسیمی دفتر ایام برهم می‌خورد / از ورق‌گردانی لیل ونهار اندیشه کن

بارها به این نکته فکر کرده‌ام که حال‌واحوال ما آدم‌ها در این دنیا، همان حکایت نسیم و دفتر ایام است که با اندک وزشی می‌تواند برگی از دفتر ایام ما را جابه‌جا بکند. این جابه‌جایی می‌تواند ما را از صفحه شادی به صفحه غم ببرد و گاهی می‌تواند عکس این ماجرا اتفاق بیفتد. دیروز با یکی از دوستانم در جایی دورتر تماس گرفتم تا حال‌واحوالی از او بپرسم. دیدم صدایش گرفته است و صدا آن صدای همیشه نیست. وقتی جریان را جویا شدم، متوجه شدم که به بیماری کرونا مبتلا شده است و در این بین، پدرش هم مریض شده و سکته کرده است و حالا چند روزی است میهمان بیمارستان شده است و چند روز دیگر باید در بیمارستان بماند. یاد هفته قبل افتادم که با همدیگر تلفنی صحبت کردیم. آنجا حال دوستم خوب بود، هنوز به کرونا مبتلا نشده بود و وقتی از حال‌واحوال پدر و مادرش پرسیدم، حال هر دو نفر آن‌ها خوب بود اما فقط به فاصله چند روز، اوضاع‌واحوال در خانه دوستم تغییر کرده بود. این تغییر کردن برای خود من هم بارها اتفاق افتاده است. گاهی یکی از روزهای بهاری بودم با آسمانی روشن و زلال اما در همان لحظاتی که فکر می‌کردم زندگی گاهی تا چه اندازه می‌تواند خوب باشد، ناگهان آسمان مرا ابرهای تیره‌ای در برگرفته و سهم من باریدن شده است. از این باریدن‌ها، ابری شدن‌ها و از این تیره شدن‌ها کم نداشته‌ام، همان‌طور که شادی کم نداشته‌ام و آسمانی آبی و روشن. زندگی تلفیقی از شادی و غم است. تنها چیزی که حالا و بعد از بیش از ۴۰ سال زندگی آموخته‌ام، این است که دیگر هیچ شادی‌ای را جدی نگیرم و هیچ غمی را؛ چون می‌دانم نه غم‌ها همیشگی هستند نه شادی‌ها. فهمیدم باید طوری زندگی کنم که دلبسته شادی‌هایم نباشم و وقتی که غم‌ها آسمان بودنم را تیره می‌کنند، خودم را ازدست‌رفته فرض نکنم. در این تیره شدن‌ها و در این روشن شدن‌ها، آموختم که باید به فکر دیگران هم باشم؛ چون زندگی برای همه ما آدم‌ها از این دست بازی‌ها کم ندارد و خوب می‌دانم وقتی آدمی ابری می‌شود، بیش از هر چیزی دوست دارد که کسی کنارش باشد؛ کسی که حالی از او بپرسد، کسی که دستش را به گرمی بفشارد و کسی که به آدمی کلماتی تحویل بدهد که دوستانه باشند و حال آدم را خوب کنند. در چند ماهی که از سال ۹۹ گذشت، بیش از هر زمانی به مفهوم مرگ فکر کردم، به اینکه مرگ بیش از آنچه به آن فکر می‌کنیم، نزدیکمان است. دارد سایه‌به‌سایه ما را راه می‌رود، حتی اگر گاهی او را فراموش کنیم. وقتی مرگ می‌تواند این همه به ما نزدیک باشد، باید کمی مهربان‌تر باشیم، هم با خودمان و هم با دیگران. باید یاد بگیریم به قول زنده‌یاد قیصر امین‌پور: «ناگهان چقدر زود، دیر می‌شود». نباید بگذاریم غم در جانمان ریشه بدواند. باید بدانیم شادی و مهربانی، بخش دیگری از زندگی است و می‌شود آن را گاهی در قالب چند کلمه به دیگران و به خودمان هدیه بدهیم. عمر آدمی کوتاه‌تر از چیزی است که فکر می‌کنیم و لشکر غم بدش نمی‌آید به تاخت بیاید و ما را تسخیر کند. دفتر عمر ما در مسیر وزش بادهای مختلف قرار دارد. هرآن ممکن است ورقی بخورد و اتفاقی خوش یا ناخوش برای ما رقم بخورد، پس باید کاری کنیم برای خودمان و برای آن‌هایی که دوستشان داریم، حتی اگر شد، با تماسی که در آن تعدادی از کلمات دوست‌داشتنی‌مان را به همدیگر هدیه دهیم.

کارتون شهر

محمدرضا میرشاه‌ولد

در حاشیه رجزخوانی رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه درخصوص ارس و جدایی آن

روز مقاومت و هم‌بستگی ملی

نگاهی به رخداد خونین ۲۳آذر۱۳۵۷ در مشهد که گام بلندی در پیشبرد انقلاب اسلامی در این شهر بود

امروز در تاریخ

دکتر سیدحسین فتاحی‌معصوم
استاد دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد و شاهد عینی واقعه حمله به بیمارستان امام‌رضا(ع)

بیست‌ودوم آذر ۱۳۵۷ بود. در آن دوران، انقلابی‌ها سعی می‌کردند با تغییر نام مکان‌هایی مانند بیمارستان‌ها، ورزشگاه‌ها و مدارس با تاریخ روزهای خونین انقلاب، یاد آن ایام را زنده نگه دارند. تغییر نام بیمارستان ۶بهمن به ۱۷ شهریور هم به همین دلیل رخ داد اما چماقداران حکومتی این مهم را تاب نیاوردند و با ریختن به داخل بیمارستان، وارد بخش‌ها شدند و ضمن ضرب‌وجرح پزشکان و پرستاران، خسارت‌های بسیاری هم به امکانات بیمارستانی وارد آوردند. متعاقب این اهانت به محل امن بیمارستان، پزشکان آن مرکز ضمن صدور بیانیه‌ای، به اعتصابی سه‌روزه دست زدند. متن آن بیانیه به این شرح بود: «پزشکان، کارکنان و پرستاران بیمارستان ۱۷ شهریور به منظور اعتراض به نبود امنیت در محیط کار خود و خطری که جان بیماران و مراجعان را تهدید می‌کرد، اعلام سه‌روز تحصن نمودند.» این تصمیم، بی‌درنگ با حمایت پزشکان و کارکنان مراکز پزشکی دانشگاه مشهد روبه‌رو شد و آنان را به پشتیبانی از خواست‌های برحق همکارانشان در سازمان منطقه‌ای بهداری و بهزیستی خراسان واداشت. خبر در شهر پیچید و مردم به‌سمت خیابان کوهسنگی حرکت کردند و راهپیمایی بزرگی در برابر بیمارستان به راه افتاد، آن‌چنان که مردم با اقتدا به علما و روحانیان، نماز جماعت ظهر و عصر را هم در خیابان اقامه کردند. فردای همان روز یعنی ۲۳آذر مثل این حادثه در بیمارستان امام‌رضا(ع) در مشهد رخ داد و ژخیمان با حمله به بخش اطفال این بیمارستان، زیر صفحه دیگری از جنایات خود امضا زدند. این رخداد آن‌چنان مردم انقلابی را خشمگین کرد که چون سیل خروشانی به خیابان آمدند. پس از آن دانشگاهیان به این جمع پیوستند و حلقه بزرگی از انقلابیان با محوریت پزشکان شکل گرفت. این رخداد آن‌قدر مهم بود که توانست ضربه بزرگی بر پیکره رژیم طاغوتی وارد کند، لذا آنان را مجاب به عقب‌نشینی کرد. ناگفته نماند که این رخداد، دستاوردهای بسیاری برای انقلابیان داشت، آن‌چنان که می‌توان این روز را در تقویم «روز مقاومت و هم‌بستگی ملی» نام‌گذاری کرد. برخی دستاوردهای این رخداد انقلابی به شرح زیر است: «اعلام تحصن علما و مراجع مشهد در دفاع از حریم دانشگاه و بیمارستان، طولانی‌ترین تحصن تاریخ انقلاب اسلامی بود که دو هفته به طول انجامید. برای اولین‌بار در کشور، تشییع پیکر پاک شهید منفرد بر دوش پزشکان و مردم در مطبوعات داخلی و خارجی بازتاب داده شد. سخنرانی‌های افشاکننده درباره ماهیت رژیم ستمشاهی و سخنرانی روشنگرانه حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای و شهید هاشمی‌نژاد، شهید کامیاب و سایر علما و انقلابی‌ها و دانشگاهیان ضربات سنگینی به رژیم در حال سقوط وارد کرد. انتشار اخبار تحصن علما و مردم و پزشکان در مجامع داخلی و خارجی موجب رسوایی مزدوران حمله‌کننده و چماق‌به‌دستان ستمشاهی گردید. حضور خبرنگاران خارجی در روز حمله به بیمارستان و تهیه گزارش از مجروحان و دانشجویان مجروح و انتشار آن‌ها، ددمنشی رژیم درمانده شاه را به دنیا نشان داد. هم‌بستگی روحانیان و مردم با دانشگاهیان به‌ویژه جامعه پزشکی که در تاریخ مبارزات دانشگاهیان بی‌سابقه بود. اعلام تعطیلی مطب‌های پزشکان و پذیرش نکردن دفترچه‌های بیمه ارتشیان که دست به کشتار مردم در کشور و مشهد زده بودند. همچنین بیمارستان شاه‌رضا که پس از این حمله به نام مبارک امام‌رضا(ع) مزین شد، درکنار سایر مراکز درمانی و بیمارستان‌های قائم(عج) و ۱۷ شهریور به پایگاه مبارزه و انقلاب تبدیل شد که ضمن خدمات‌دهی به مجروحان و مردم، به سهم خود در براندازی رژیم ستمشاهی، نقش ایفا کردند.»

سخنرانی مقام معظم رهبری در نخستین سالگرد حادثه ۲۳ آذر بیمارستان امام رضا(ع) مشهد

اولین زن روی قرص قمر

چند خط درباره یاسمین مقبلی، نخستین زن ایرانی‌تبار که قرار است به روی ماه قدم بگذارد

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

روایت روز

از همان کسانی بوده است که از بچگی رؤیای فضانورد شدن را در سر می‌پرورانده، در آسمان‌ها و لابه‌لای ستارگان سیر و سیاحت می‌کرده است و احتمالا در رؤیاهای شبانه‌اش، خودش را در لباس‌های عجیب‌وغریب فضانوردی، می‌دیده که از جاذبه فاصله گرفته است و دیگر زمینی زیر پایش نیست. حتما وقتی از او می‌پرسیدند دوست داری در آینده چه‌کاره بشوی، با کلی هیجان و شور و اشتیاق می‌گفته است: «فضانورد.» یاسمین مقبلی حالا مدت‌هاست که دارد در آرزوها و رؤیاهای دوران کودکی‌اش زندگی می‌کند و یکی از فضانوردان برجسته ناساست. او از پدر و مادری ایرانی‌تبار در آلمان به دنیا آمده است و بعدها با مهاجرت به آمریکا، مسیر زندگی‌اش طوری به پیش رفت که با آسمان و ماه و ستارگان و جذابیت‌های کهکشانی گره خورد. او در سال ۲۰۱۷ یکی از ۱۲ نفری بود که برای گذراندن دوره آموزشی دوساله ناسا برای فضانورد شدن انتخاب شد؛ جمعیت کوچکی که از میان ۱۸ هزار متقاضی شرکت در این دوره، دست‌چین شده بودند و به‌جز او ۴ زن و ۷ مرد دیگر هم در آن جمع حضور داشتند. رقمی که نسبت به آخرین دوره یعنی در سال ۲۰۱۱ بیشتر از سه‌برابر شده بود. فیروز نادری که اکنون به‌عنوان مشاور مدیریت در ناسا فعالیت می‌کند، با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود از او نام برد و نوشت: «اولین زنی که روی ماه پا می‌گذارد، می‌تواند یک ایرانی آمریکایی باشد.» و به قول او: «زنی که می‌تواند «اولین زن» باشد و مردی که «مرد بعدی» خواهد بود.» البته بشری که این روزها ذهن فرااندیشی دارد، پیش از این هم پایش به ماه باز شده است. پروژه‌ای که از آن با عنوان آپولو یاد شد و در آن ۱۲ فضانورد مرد توانستند روی ماه قدم بگذارند. یعنی در سال‌های ۱۹۶۸ و ۱۹۷۲. ناسا طی این پروژه ۹ مأموریت انسانی را انجام داد که ۶ مأموریت آن موفقیت‌آمیز بود. اما پروژه کنونی ناسا که نامش آرتمیس است، متشکل از مردان فضانورد و زنان فضانورد است و به‌نظر بسیار پیچیده‌تر از قبلی است. نکته‌ای که خود ناسا از آن، این‌گونه یاد می‌کند: «در حالی که آپولو عنوان نخستین مأموریت قدم روی ماه را دارد، آرتمیس درها را برای تجربه زندگی بشر از نوع دیگری باز می‌کند.» به‌عنوان مثال یکی از نکات جذابی که درباره این پروژه به چشم می‌خورد، این است که پیش از رسیدن فضانوردان به ماه همه تجهیزات و دستگاه‌های لازم برای بررسی‌ها و تحقیقاتشان به مقصد رسیده است و این روند کاملا به‌صورت خودکار انجام می‌شود. پروژه‌ای که مدیرعامل ناسا هم درباره وقوع آن حسابی ابراز خوشحالی کرده و گفته است امسال برای پیشرفت برنامه‌های آرتمیس و مأموریت‌های ما به ماه، سال مهمی است.

۲۰۲۴ ماه، ۲۰۳۰ مریخ

حضور یک زن ایرانی‌تبار در جمع برگزیده‌ها و درواقع کاندیداهایی که می‌توانند قدم به قرص قمر بگذارند، از چشم کاربران صفحات مجازی هم دور نماند. عده‌ای با نظرها و توئیت‌هایشان از این اتفاق ابراز خوشحالی کردند و عده‌ای دیگری اشاره کرده بودند. کاربری نوشته بود: «البته این وسط یک چیز دیگه هم مهمه و اون بستریه که براش فراهم شده تا توانایی و استعدادش شکوفا بشه و بتونه لیاقت خودشو نشون بده.» حالا که صحبت از ماه و رفتن به ماه شد، بد نیست بدانید که در کنار این داستان‌ها، ناسا به‌صورت خیلی جدی افق دید خودش را برای اکتشافات در سیاره سرخ مریخ، حدود ۱۰ سال آینده یعنی اواسط سال ۲۰۳۰ درنظر گرفته است. ناسا معتقد است اکتشافاتی که سفر به ماه می‌تواند به آن‌ها بدهد و زندگی روی ماه، می‌تواند به‌عنوان زمینه اثبات زندگی در مریخ باشد. یعنی دقیقا همان نکته‌ای که مدت‌هاست ذهن دانشمندان و فضانوردان را برای زندگی در کره‌ای به‌جز زمین، حسابی به خود مشغول کرده است.

کیوسک

صفحه نخست تایم

جو بایدن و کامالا هریس «شخصیت‌سال» مجله تایم شدند. شخص سال عنوانی است که هفته‌نامه آمریکایی تایم از سال ۱۹۲۷ میلادی هرساله به کسی که در سال سپری‌شده، بیشترین توجه مثبت یا منفی را برانگیخته باشد، اعطا می‌کند. تا سال ۱۹۸۸ میلادی این عنوان، «مرد سال» نام داشت.

صفحه نخست سازندگی

«توهمات خلیفه عثمانی» تیتر نخست شماره دیروز سازندگی بود، این روزنامه با انتشار کارتونی از رجب‌طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، نوشته است: «محمدجواد ظریف در پاسخ به ادعاهای اردوغان گفت: هیچ‌کس نمی‌تواند درباره آذربایجان عزیز ما صحبت کند».

صفحه نخست اکونومیست

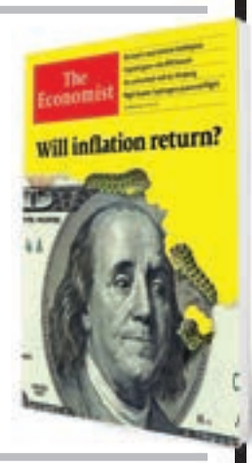

جهان ممکن است انتظار بازگشت تورم را نداشته باشد اما هفته‌نامه «اکونومیست» این احتمال را رد نمی‌کند. این نشریه با طرح این پرسش که «آیا تورم بازمی‌گردد؟» به این موضوع پرداخته است.

صفحه نخست تجارت فردا

فاتحه‌خوانی برای درآمد نفت در صفحه اول «تجارت‌فردا». این هفته‌نامه اقتصادی نوشته است: «درآمد نفت در پنج دهه گذشته، نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد اقتصاد و تحولات سیاسی و اجتماعی کشور داشته است. برخی برآوردها نشان می‌دهد سهم نفت در درآمدهای دولت به پایین‌ترین حد چند دهه گذشته رسیده است».

نگاه هشتم

وقتی مادر گوشی را میان سلام و علیک قطع کرد

غلامرضا بنی اسدی

چنان گوشی را گذاشت مادر که هنوز بعد ۲۰ سال در ذهنم مانده است. من با هزار اشتیاق، زنگ زده بودم و تشنه صدای مادر بودم اما قصه من و این عطش شد مثل لیوان آبی که جلوی لب‌های تبخال‌بسته، بشکند. مادر صدای الو و سلامم را که شنید، قبل از پاسخ گفت: از کجا زنگ می‌زنی؟ گفتم محل کار. گفت: پس خداحافظ! من سرباز بودم و از محل کار زنگ زده بودم و مادر چنین جواب داد. البته آن زمان، موضوع تلفن‌همراه چنین فراگیر نشده بود و من از تلفن ثابت محل خدمتم تماس گرفته بودم که با این برخورد مادر مواجه شدم.

بعد که از محل دیگر و با هزینه خودم تماس گرفتم، باز به من توپید که حق نداری از تلفن بیت‌المال استفاده کنی برای تماس با خانواده. این رفتار مربیانه مادر، رسم‌الخط زندگی شد برایم تا مراقب پالس‌های تلفن هم باشم، چه رسد به سفره و لقمه‌ای که سر سفره می‌آید. این روزها که خواندم دختر شهید سلیمانی تعریف کرد وقتی با پدر به محل کار او می‌رفته، سردار پول آب و شکلاتی را که خورده است، جداگانه پرداخت می‌کرده است، یاد این رفتار تربیتی مادر افتادم.

کاش حرمت بداریم رسم پدران و مادران را و حالا که خود در جایگاه پدر و مادر هستیم، به فرزندانمان بیاموزیم که «بیت‌المال» را حریمی است از آتش که هرکس، بدون داشتن حق، بدان دست دراز کند، خواهد سوخت. حساب بیت‌المال را هم فقط به قرار چندهزار میلیارد نباید دید که «ذرات» را هم به‌حساب می‌آورند. به قول قدیمی‌ها؛ ذره‌ای که پیش آفتاب بتابد را هم محاسبه می‌کنند.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

زنده‌یاد نجفی در «غلط ننویسیم» می‌نویسد: «بنابر قاعده آوایی زبان فارسی، در واژه‌های بسیط، پس از «ش» ساکن، تمایز میان «ک» و «گ» به اصطلاح زبان‌شناسی خنثی می‌شود در زبان محاوره، در این موضع فقط صدای «گ» شنیده می‌شود، اما در فارسی فصیح آن را «ک» تلفظ می‌کنند.» بنابراین، این واژه‌ها با «ک» درست است:

لشکر، اشک، گنجشک، مشک، زرشک، کشک، تمشک، پزشک، رشک، خشک

#زین_قند_پارسی

ضرب‌المثل

کبکش خروس می‌خواند.

شاد و سرحال است.

مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید